

درس دهم

مسئولیت همگانی

تصور کنید :

- کسی اجناس بی کیفیت را به عنوان کالای مناسب و باکیفیت به مشتریان می فروشد.
- خانواده ای در جنگل آتش روشن می کند یا زباله های خود را همان جا رها می کند.
- یکی از دوستانمان نسبت به خواندن نماز بی توجهی می کند.
- دانش آموزی به اموال مدرسه و کلاس آسیب می زند.
- خودرویی به علت نقص فنی، بیش از اندازه دود می کند و هوا را آلوده می کند.

ممکن است کسی با دیدن این کارها بگوید :

- به من چه ارتباطی دارد؟ مگر من مسئول کارهای مردم هستم؟
- گفتن من چه فایده ای دارد؟ او که به این کار عادت کرده است.
- بالاخره یک نفر پیدا می شود و به او تذکر می دهد.
- من خجالت می کشم چیزی بگویم. اگر من را جلوی دیگران ضایع بکند، چه؟!
- من می ترسم. شاید با من با تندی برخورد بکند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما آیا هر یک از دلایل بالا می تواند برای تذکر ندادن به دیگران قابل پذیرش باشد؟ چرا؟

امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته که مردم با کشتی‌های بادبانی به مسافرت می‌رفتند، با حوادث گوناگون و گاه دلهره‌آوری روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی پهناور، سرنوشت ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان هنگام خطر به خوبی درک می‌کردند که چقدر عاقبت و سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است؛ یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

حال اگر در چنین کشتی‌ای یکی از سرنشینان، جایی را که نشسته، به بهانه‌ای اینک جای خودش است، سوراخ کند، دیگر سرنشینان چه واکنشی از خود نشان خواهند داد؟ آیا دیگر کسی خواهد گفت که هرکس اختیار جای خود را دارد یا به من چه مربوط است؟ آیا کسی به بهانه‌ی خجالت کشیدن یا ترسیدن، بی‌تفاوت از کنار آن فرد خواهد گذشت؟





جامعه نیز مانند کشتی است و مردم آن همچون سرنشینان کشتی اند که سرنوشت آنها به هم گره خورده است. برای همین اگر در جامعه، شخصی بخواهد قوانین الهی یا اجتماعی را زیر پا گذارد، نمی‌توان به سادگی از کنار خطا و گناه وی گذشت.

به همین دلیل یکی از مسئولیت‌های افراد جامعه نسبت به هم، توصیه یکدیگر به کار خیر و پسندیده و بازداشتن هم از کار ناپسند است. این کار همان «امر به معروف و نهی از منکر» است. البته مؤمنان در این باره مسئولیت بیشتری دارند؛ زیرا آنها ولی یکدیگرند؛ یعنی همدیگر را دوست دارند و نسبت به سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. آنها همان‌گونه که از سعادت و خوشبختی خود لذت می‌برند، خوشبختی دیگر انسان‌ها نیز برایشان شیرین و شادی‌آور است. آنها می‌دانند که رسیدن به سعادت دنیا و آخرت تنها با عمل به دستورات دین؛ یعنی انجام اعمال نیک و ترک گناهان امکان‌پذیر است. از همین جهت، هم خود به این دستورات عمل می‌کنند و هم دیگران را به انجام اعمال صالح سفارش می‌کنند و آنان را از ترک واجبات و انجام محرمات باز می‌دارند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

مردان و زنان مؤمن،

دوستدار و یاور یکدیگرند

[و از این رو یکدیگر را] امر به معروف

و نهی از منکر می‌کنند.



آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اگر هرکس با توجیه و بهانه‌های مختلف از انجام مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

مردم نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت می‌شوند؛ کارهای نادرست و ناپسند در جامعه رواج می‌یابد و زشتی انجام بسیاری از این کارها از بین می‌رود، تا آنجا که حتی برخی زشتی‌ها به عنوان کار معروف و خوب شناخته می‌شود. تعالیم و دستورات دین در میان مردم فراموش می‌شود و انسان‌های فاسد بر مردم مسلط می‌شوند و کم‌کم آن‌قدر گناه و فساد در جامعه فراوان می‌شود که رحمت و برکت خداوند از آن جامعه برداشته و جامعه مستحق عذاب الهی می‌شود.

امام کاظم علیه السلام می فرماید :

«حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه شرورترین افراد جامعه بر شما مسلط خواهند شد و در این صورت بهترین‌های شما هم اگر دعا کنند، دیگر مستجاب نخواهد شد!»*

به دلیل جلوگیری از بروز این آسیب‌ها و مشکلات است که امر به معروف و نهی از منکر دارای جایگاه بسیار بالا و سرنوشت‌سازی است؛ تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

«همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره در برابر دریایی بهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به دلیل انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به دلیل نهی نکردن از زشتی‌ها».



شخصی را تصور کنید که در جمع دیگران غیبت می‌کند. در جدول زیر نتایج نهی از منکر کردن و پیامد ترک آن را بنویسید.

اگر نهی از منکر نشود	اگر نهی از منکر بشود
.....	او دیگر این گناه را حداقل در آن جمع انجام نمی‌دهد.
آبروی کسی که از او غیبت شده است، در میان جمع از بین می‌رود.
.....
.....

با حرص فراوان مشغول صید ماهی‌هایی هستند که روز شنبه آنها را گیر انداخته‌اند. امروز یکشنبه است. ماهی‌هایی را که روز شنبه در آبگیرها گیر انداخته‌اند، صید می‌کنند و خوشحال‌اند از اینکه ...



دسته‌ای از قوم یهود در کنار دریا زندگی می‌کردند. آنان از یاد خداوند بسیار غافل شده بودند. خداوند برای امتحان آنان دستور داد روز شنبه، که روز تعطیلی یهودیان است، ماهی نگیرند. از طرفی روز شنبه ماهی فراوان می‌شد و این امتحان را سخت‌تر می‌کرد.

در این میان عده‌ای بودند که خود را انسان‌های زرنگی می‌دانستند. آنان در روز شنبه که ماهی فراوان می‌شد، ماهی‌ها را به آبگیرها هدایت می‌کردند و هنگامی که این آبگیرها پر از ماهی می‌شد، راه بازگشت ماهی‌ها را می‌بستند و روز یکشنبه تمام ماهی‌های گیرافتاده را صید می‌کردند.

گروهی، آنان را از این کار نهی می‌کردند و آن را نافرمانی خداوند می‌دانستند. ولی عده دیگری می‌گفتند شما چرا آنها را نهی می‌کنید؛ نهی کردن آنان فایده‌ای ندارد و خداوند آنان را عذاب خواهد کرد؛ مؤمنان در جواب آنان می‌گفتند: «ما آنان را از این کار زشت نهی می‌کنیم تا نزد پروردگارتان معذور باشیم و شاید با این کار ما، آنها از این کار دست بردارند».

تا اینکه سرانجام ...

خداوند عذابی فرستاد که در آن کسانی که ماهی می‌گرفتند و کسانی که آنان را نهی نمی‌کردند، باهم گرفتار عذاب شدند و فقط کسانی از این عذاب نجات یافتند که آنان را از نافرمانی خداوند نهی می‌کردند. داستان این قوم در قرآن کریم آمده است:

و چون اندرزی را که به آنها داده شده بود

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ

[روز شنبه ماهی نگیرند] فراموش کردند

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

کسانی را که از بدی [ماهی‌گیری روز

شنبه] نهی می‌کردند نجات دادیم

وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ

و کسانی را که ستم کرده بودند [روز شنبه

ماهی گرفته بودند و یا ماهی‌گیران را از این

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۱

کار نهی نکرده بودند] به خاطر نافرمانیشان به

عذاب شدیدی گرفتار ساختیم.

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

هدف شما در هر دو حالت، پاک کردن لباس است؛ اما روش‌ها متفاوت‌اند!
هدف ما در نهی از منکر این است که انسان خطاکار به اشتباهاتش ادامه ندهد. گاهی همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.

گاهی نیز شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست؛ در این صورت ما باید با مهربانی و با برخورد خوب، او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.
در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.



آیا با این شیوه‌ها می‌توان همواره از انجام گناهان جلوگیری کرد؟
مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد و بسیاری را گرفتار اعتیاد می‌کند، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست و باید چگونه عمل کنیم؟

چند نکته مهم

- ۱- برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.
- ۲- برای اینکه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیشتر شود، خوب است خودمان به آنچه دیگران را به آن توصیه می‌کنیم، عمل کنیم و کاری را که از آن نهی می‌کنیم، انجام ندهیم.
- ۳- هر امر به معروف و نهی از منکری، یک موفقیت است؛ زیرا اگر به نتیجه برسد، علاوه بر رسیدن به رضایت و پاداش الهی به اصلاح اطرافیان و جامعه خود کمک کرده‌ایم و اگر به نتیجه نرسد، به وظیفه خود عمل کرده‌ایم و از اجر و ثواب خداوند بهره برده‌ایم.

یک بار دیگر به منکرهای صورت گرفته و معروف‌های ترک شده در ابتدای درس توجه کنید. به نظر شما راه امر به معروف و نهی از منکر در هریک از این موارد چیست؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

- ۱- چهار مورد از آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید.
- ۲- با توجه به سخن حضرت علی ع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در میان اعمال نیک بیان کنید.
- ۳- چرا مؤمنان مسئولیت بیشتری درباره امر به معروف و نهی از منکر دیگران دارند؟

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

- ۱- درباره ارتباط قیام امام حسین ع با امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.
- ۲- درباره زندگی یکی از شهدای امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

الهی

ما هم اگر دوست داری، چند جمله ای با خدای خویش سخن بگو:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....